

مسابقه سراسری «محرم و نماز در قاب تصویر» با هدف ترویج فرهنگ اقامه نماز و بیان اهمیت نماز از دیدگاه امام حسین(ع) برگزار می شود.

این مسابقه در دو بخش عکس و فیلم و با موضوعات مختلف است.علاقه مندان در بخش عکاسی در قالب تک تکسی حرفه ای و موبایل، می توانند با موضوعات نماز اول وقت، نماز جماعت هیات مذهبی و نماز ظهر عاشورا شرکت کنند.

مسابقه «محرم و نماز در قاب تصویر»

از دین آن است که تاریخ اسلام در ذهن ما تحریف شود و به خود بگویم تمام دیگری ها سر مسائل عقیدتی بوده است. باز هم تکرار می کنم که تلقی عقیدتی از دین اشتباه است.

تلقی اخلاقی از دین

اصلا علم اخلاق چیست؟ به تفسیر غربی ها، اخلاق به معنی ارزش هاست اما آیا ما در اسلام چیزی به نام ارزش داریم؟ آیا مواردی مثل ماسکی که برای کرونا می زدیم یا رعایت حجاب یک اقدام ارزشی است؟ این موارد یک اقدام واقع بینانه است. من خدمت آقای مصباح عرض کردم شما در کتاب فلسفه اخلاق توضیح داده اید که تفسیر تمام باید های دین یک هستی است که پشت آن وجود دارد. در این صورت چرا می گویند «ارزش» و همان هست یا هستی را به کار نمی برید؟ گفتیم علامه طباطبایی می فرماید حق در قرآن به معنی واقعیت است و ما افرادی واقع گرا هستیم درحالی که مردم بین حق و واقعیت تفاوت قائل می شوند و هنگام سخن گفتن از حق آن را به مقوله های اعتباری و ارزشی می برند و آن را متفاوت از واقعیت می دانند. این نشانه تربیت دینی نادرست است. آقای مصباح وقتی این صحبت را شنید به جمع گفت ما باید ادبیات خود را اصلاح کنیم. باید پذیریم که متأسفانه ما در طول این ۴۰ سال بیش از همه به سکولاریسم دامن زده ایم. وقتی در هواپیما می گوئیم کمربندها را ببندید، تاکید نمی شود که با این کار ارزش ها را رعایت کنید، چون صحبت از یک واقعیت است. بوق نژدن مقابل بیمارستان یک مقوله ارزشی نیست، بلکه واقعیتی است که باید آن را پذیرفت اما وقتی می گوئیم حجاب را رعایت کنید، چرا به نظر می رسد که می خواهیم به رعایت ارزش های اخلاقی تاکید کنیم. یعنی دو دروغ را پشت سر هم تکرار می کنیم، دروغ اول ارزش و دروغ دوم اخلاق و در این میان هیچ صحتی از واقعیت نیست. مسأله حجاب پیچیده است و نباید آن را ساده گرفت و به آن برچسب ارزش و اخلاق زد. باید بگوییم اگر حجاب را رعایت نکنید به جامعه صدمه می زنید. رسانه باید ۵۰ سال کار کند تا ذهنیت جامعه عوض شود تغییر ذهنیت کار ساده ای نیست. اخلاق در غرب به معنی ارزش هاست، ولی ما اینجا ارزش نداریم و هر چه داریم واقعیت است. امام می گفت نمی دانم چرا در انقلاب ما تفسیر بعضی ها از دین همان تفسیر غربی هاست. باید اخلاق به معنی ارزش ها را از ادبیات صداوسیما حذف کنید. اخیرا در غرب می گویند «اخلاق» علمی که موضوع آن ارزش هاست. بعد فلسفه اخلاق توضیح می دهد که این ارزش ها از کجا تولید شده است و در این باره یک بحث به بیراهه رفته، می کنند.

اخلاق فلسفی، اخلاق دینی

معنای دیگر اخلاق به سنت قدیم فلسفه یونانی، علمی است که درباره ملکات صحبت می کند. باید گفت اصلا مگر ملکات برای ما مهم است؟ برای ما سعی و تقوا اهمیت دارد. در دینی که تلقی اخلاقی از آن می شود، چه اتفاقی می افتد. مثلاً من به عنوان امام جماعت مسجد بافردی مواجه می شوم که ذاتاً عصبی مزاج است و زیاد ناسزا می گوید، حالا من شروع می کنم به نصیحت کردن او و می خوام که استغفار کند و خودش را اصلاح کند در حالی که او می خواسته ۵۰ ناسزا بگوید اما خودش را کنترل کرده و فقط پنج تا ناسزا گفته، معلوم که تقوای او بیشتر است از آن کس که ذاتاً انسان ملایمی است و اصلاً زن ناسزا گفتن ندارد. باید تفاوت انسان ها را به رسمیت بشناسیم. اگر صداوسیما و نظام جمهوری اسلامی تفاوت ها را به رسمیت شناساند، محبوب خواهند شد. ترس نسبت دین ها از نظام اسلامی فقط به خاطر همین نکته است. می ترسند تفاوت انسان ها را لحاظ کنیم. متأسفانه به این افراد القا کرده ایم که شما بی دین هستید. حدیث داریم که می فرماید: لَمْ یَلْمُ أَخْذُ أَخْذًا أَكْرَأُکُمْ مردم می دانستند که خدای عزوجل این مخلوق را بر این وضع آفریده، هیچ کس دیگری را سرزنش نمی کرد) متأسفانه اصلا طلبان از تفاوت بین انسان ها سوء استفاده کرده، علم را نابود و چهل را به انسان تحمیل می کنند. اصلا طلبان علیه ارزش قیام نکردن، بلکه علیه دانش قیام کردند. آنها هیچ وقت ضرارش را ندیده اند چون برای یکسری چیزها بی دلیل ارزش قائل هستند. ما از واقعیت دفاع می کنیم و دین ضمن توجه به امر به معروف و نهی از منکر، تفاوت ها را به رسمیت می شناسد. بنده در کانادا، اوکراین، آفریقای جنوبی و... در دیدار با نمایندگان ایرانی از آنها خواستم به ایران برگردند؛ حرف مشترک آنها این است که اگر به ایران برگردیم ما را قضاوت می کنند و مورد دآوری قرار می دهند. آیا دوستان رسانه ای ما به عنوان افرادی انقلابی، آسیبی که افراد مذهبی به این اشخاص می زنند را برطرف کرده اند؟ این مشکل برطرف نمی شود و اصلا طلبان از آن سوء استفاده می کنند.

نکته

شناخت ویژگی های تبلیغ کارآمد

مقام معظم رهبری در دوران اصلاحات، در حضور خبرگان رهبری گفتند وقتی می خواهیم کسی را به امر دینی ترغیب کنیم باید فواید آن را ذکر کنیم و این موضوع در روایات آمده است.
مدها کتاب درباره ولایت فقیه داریم که مقایبت آن را اثبات می کند اما یک کتاب نداریم که صرف نظر از مبانی آن، فوایدش را بررسی کند. متأسفانه ما طلبه ها اصلا سوادش را نداریم تا جز اثبات حقانیت بتوانیم از چگونگی اش هم بگوییم. هزاران کتاب در اثبات امامت داریم ولی کمتر کتابی داریم که فواید امامت را توضیح دهد. در تلویزیون آخوندی را می آورید که ولایت علی بن ابیطالب را دوباره می خواهد اثبات کند. این مسأله جز دعوائی که ممکن بین شیعه و سنی را بیندازد چه مشکلی را حل می کند؟ شما باید از مدیریت امیرالمومنین برای حکمرانان مان بگویید. صداوسیما که به حاکمیت تعلق دارد باید در عرصه رسانه به این مهم بپردازد. نمی دانم چرا وقتی رسانه به محتوای تبلیغ دین می رسد کاملاً تسلیم حوزه علمیه است. رسانه باید ببیند آقا چه می گوید. در ادامه می فرمایند: «مسأله اخلاق نیز همین طور است. مثلاً راجع به گذشت و مبر حرف می زنیم. یک وقت یک مسأله شخصی محض است به عنوان اخلاق اسلامی و دستور اخلاقی و روحی صرفا فردی، یک ارزش مطرح می شود. در مقابل مصائب مبر می کنیم. این یک طور است. یک وقت هم مبر در سطح جامعه ای با انواع مشکلات و فشارها و موانع که در کار و راه خود مواجه است

بخش فیلم کوتاه حداکثر ۱۰۰ ثانیه ای با موضوعات عزاداری و اقامه نماز اول وقت، نماز جماعت مساجد در دهه اول محرم و اشعار نمازی ویژه محرم در دسته های عزاداری است.
جهت اطلاع از شرایط و قوانین مسابقه به سایت ستاد اقامه نماز به نشانی Namaz.ir مراجعه کنید و برای شرکت در مسابقه می توانید از امروز مصادف با روز اول محرم تا هشتم مرداد

تزریق نگاه عاشقانه به دین

در تلقی احساساتی و عاشقانه از دین مدام بحث محبت مطرح می شود و می پرسند پس تکلیف محبت چه می شود؟ جواب من این است که محبت یعنی نابودی در اثر شرمندگی مقابل معشوق. او می گوید هر قدمی که برایم برداری من هزار قدم برایم برمی دارم. می گوید اگر عاشقی و قصد داشتدن داری من از تو چیزی نمی خوامم و فقط مزن تو را می دهم و در شهادت یا تو تجارت می کنم؛ به این ترتیب مهر او به دل تو می افتد البته مقصود محبت مغرورانه نیست. به ادبیات واقع بینانه آقا توجه کنید. ایشان می گفت: شهادت، مرگ تاجرانه است؛ روغن ریخته را نذر امام زاده کردن است. امام در دوران جنگ گفت: نگویید شهیدان ایثار می کنند، شهید چیزی ندارد که ایثار کند. او مالک جانش نیست...

این تحلیل هم نشان از واقع بینی او داشت.

وقتی در دانشگاه ها می گویم نباید نگاه عاطفی و عشقورانه به دین داشت، گاهی اساتید دانشگاه از من می پرسند پس محبت و عاطفه دینی چه می شود؟ در جواب شان می گویم وجود دین به نفع ما است و باید با آن واقع بینانه برخورد کنیم. بعد می پرسند پس اخلاص چه می شود؟ می گویم آیا اخلاص یعنی این که به خاطر خدا یک کاری انجام دهی که به نفعت نباشد؟ این تعبیر عامیانه و حتی شاید بتوان گفت عارفانه از اخلاص، احمقانه است. وقتی می گوئیم امیرالمومنین شب «لیله المیبت» می دانست شهید نمی شود، عده ای می پرسند پس این که در بستر پیغمبر خوابید چرا ارزشی داشت؟ در بسیاری از هیات ها می بینیم مداح ها و بچه هیاتی ها امیرالمومنین

را در این مورد جاهل طوطی می دهند و چهل و او را تحسین می کنند و از اخلاص او می گویند. حتی رزمنده های ما می دانستند در این عملیات شهید نمی شوند، یعنی علی که امیرالمومنین بود، نمی دانست؟ یا مداح دیگر می گوید عقل حضرت ابوالفضل العباس را او گفت آب بخور اما عیشش به او گفت...

این افراد مقوله محبت را چگونه تفسیر می کنند؟ امام صادق می فرماید: «جَلِبَتْ أَلْقُلُوبٌ عَلَى حُبِّ مَنْ يُقَفِّعُهَا وَ يُغْضِي مَنْ أَضَرَّ بِهَا» یعنی دل ها سرشته شدند بر دوستی هرکس به آنها سود رساند و به دشمنی هرکس به آنها زیان رساند. یعنی قلب محفوظ شده به محبت آن چیزی که به نفعش است. می پرسند پس این رابطه عاشقانه و عارفانه اولیای خدا یا خدا چه است؟ ۹۹/۹۹ درصد عباراتی که در ادعیه می بینیم عاشقانه نیست، واقع بینانه است. مملو از اضطراب است نمی دانم وقتی این ادعیه به دست مدام می رسد چگونه از آن معنی عاشقانه و احساساتی استخراج می کند. وقتی می گوئیم «الهی من لی غریک» یعنی خدایا غیر از تو کسی را ندارم، به همین دلیل است که تو را دوست دارم. این عبارت کاملاً واقع بینانه است و معنی عاشقانه و رمانتیک ندارد.

غرور شیعه

مرحوم شاه آبادی می گوید: «غرور شیعه در اثر عقاید حقه، مهم ترین مسأله شیعه است.» به نظر من هم مشکل شیعه همین است. خود خدا بیت در این حد که ما از روی دوست داشتن شان به آنها مغرور هستیم، آنها به خود مغرور نبودند. ادبیات ما برای تبلیغ دین که در طول تاریخ شکل گرفته، به دین لطمه زده است. به ادبیات آقا در طول ۱۰ سال اخیر توجه کنید. ایشان می گویند: مقاومت هزینه دارد، سازش هزینه دارد و هزینه سازش بیشتر از مقاومت است. بجزای این جملات ارزشی است؟ انقلاب یعنی همین و جهاد تبیین یعنی این که این جملات را را جابیندازیم. کارشناس سیاسی صهیونیست ها در اسرائیل پشت تربیون می گوید رژیم ایران دینی نیست. ایرانی ها می گویند ما دینی هستیم اما رژیم آنها عقلانی است. آنها وقتی منافع شان را می بینند، انعطاف دارند و این طور نیست که اینها دینی باشند. او براساس تفسیر غلطی که از دین دارد، می گوید اینها دینی نیستند. بعد ما می گوئیم نه ما دینی و غیر عقلانی هستیم. این چه ادبیاتی است؟ بنده تبلیغ دین را در زندان اوین، وقتی بالای سر مارکسیست ها و مجاهدین خلق بودم، یاد گرفتم چون باید حرفی می زدم که آنها بپذیرند، گاهی خاکستر سیگار و محتویات ظروف کثیف را روی من می ریختند و می خواستند بند را ترک کنم. به خودم می گفتم باید طوری حرف بزنم که آنها تحت تاثیر قرار بگیرند و کوتاه بیایند. با استادی مشورت می کردم و در نوع صحبت کردن راهنمایی می خواستم. کتاب های شهید مطهری را هم می خواندم اما آثار شهید مطهری تا زمانی برایم مفید بود و بعد آقا گفت باید عبور کنیم و... اما

آثار خود را به دبیرخانه مسابقه در سامانه noor.namaz.ir ارسال کنید.

بر پایه این گزارش، زمان اعلام نتایج ۳۰ مرداد مصادف با آخرین روز از دهه ترویج معارف نماز است. به پنج نفر اول از برگزیدگان در هر بخش کارت هدیه ۱۰ میلیون ریالی و به ۱۰ نفر برگزیده بعدی از هر بخش نیز کارت هدیه پنج میلیون ریالی تقدیم خواهند شد.



صداوسیما عبور نکرد. شهید صدر می گوید در صداسلام کسی به خاطر مبداء و معاد به پیغمبر ایمان نیاورد؛ مردم فواید اجتماعی دین را دیدند و بعد به او ایمان آوردند. وقتی این حرف ها را با مبلغین برجسته کشور در میان می گذارم، به نتیجه ای نمی رسم. بعضی از رفقا می گویند طول می کشد تا بتوانید این مسائل را جابیندازید.

چگونگی تلقی احکامی از دین

تلقی احکامی از دین یعنی این که ولایت مداران دارای دین عقیدتی، کارمفهوم امامت، مفهوم اطاعت را نشانده و آن را بیش از حد برجسته کنند اما آیا

می دانستید امامت مهم تر از مفهوم اطاعت به مفهومی به نام نصرت احتیاج دارد که اتفاقاً آن اطاعت نیست؟ آیا می دانید با این نگاه بار روانی بدی را نسبت ولایت، امامت و حتی از دین و خدا در ذهن جامعه جا می اندازیم؟ در حالی که براساس قرآن، شاخص اصلی برای ولایت پذیری اطاعت نیست. هرگاه کفه اطاعت را برای تان سنگین کردند، بدانید موضوع کجاست. اما شاخصش چه است؟ «لیعلم... من یصُرُه ورسُله بالغیب» ما پیغمبران را فرستادیم تا معلوم شود چه کسی پیغمبر را ازغیب کمک می کند. اتفاقی که شب عاشورا افتاد، الگوی ماست، امام حسین از یارانش خواست که بروند ولی آنها اطاعت نکردند و از حضرت اذن گرفتند که درنارش بمانند. حالا شما بگویید که عاشورا نصرت بود یا اطاعت؟ ما سرسفره امام حسین بزرگ شده ایم و همه حیثیت مان ازعاشورا است. آن وقت بعد از ولایت، نصرت نمی گوئیم، اطاعت می گوئیم. ولایت ما را مدیریت می کند تا به فکر ببینیم و بتوانیم سالم فکر کنیم. اطاعت مثل این است که شما به عنوان یک دانشجو، مقررات استاد راهنمای پایان نامه را رعایت کنی. او پایان نامه را با دستورات خودش نمی نویسد، پایان نامه را شما می نویسید.

می فرماید: وَیَعْلَمُهُمُ الْکِتَابُ وَالْحِکْمَةُ و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد ـ سوره جمعه) حکمت را آورد کنار کتاب قرار داد، حکمت یعنی تو بگو حالا تو صاحب نظرباش. آیا خدایی که می خواهد مرا به حکمت برساند فقط از من اطاعت می خواهد. در مورد اسم کتابش، نوشت هَذَا تَصَانُفٌ لِلنَّاسِ (این قرآن برای عموم مردم مایه بصیرت است ـ سوره جاثیه) آیا بصائر یعنی اطاعت؟ می گوید تو خودت تشخیص بده، من دستور نمی دهم.

این چقدر فرق می کند. این حرف واقعاً زیبا نیست؟ اوج امامت و قله امامت ما زینبایتر از تمام صحنه ها است. آنجا خودت باید تشخیص دهی امام چه می خواهد. امام به همین سادگی دستور نمی دهد. اطاعت قدم اول است برای این که شما به نقطه ای که لازم است، برسید. امیرالمومنین فرمود اگر من نزد مالک اشتر نیاشام، او خودش فکر می کند و خواسته ام را درمی یابد. امامت قصد دارد ما را به چنین بصیرتی برساند. آقا بارها کلمه بصیرت را تکرار کردند اما هنوز حزب اللهی های ما در محبت اطاعت، گیر کرده اند.

حسین، رهبر آزادی

یک سال شب عاشورا در بیت آقا این مسأله را مطرح کردم. گفتم می خواهم درباره کرپلاکنته ای بگویم که تا به حال گفته نشده. گفتم، می گویند حسین رهبر آزادگان است، آزادی یک مفهوم اخلاقی است ولی می خوام بگویم حسین رهبر آزادی است. می گویند حسین حکومت نکرد که رهبر آزادی باشد. در جواب می گویم امام در حکومت ۲۲ نفر جمع خودش، آزادی را بین آنها اعمال کرد. آزادی سه قسم است: آزادی رفتار، آزادی اندیشه و آزادی درعقد تحمیل خود به دیگران. امام حسین در شب عاشورا علاقه به ماندن را برکسی تحمیل نکرد. دراین زمینه حتی تبلیغ هم نکرد. غرب سلب آزادی روانی دارد ولی امام ما آزادی روانی راتضمین کرده و... بعد زمنبر، یکی از حاضران گفت، شما با این تبلیغات، سلب آزادی روانی می کنید. قصد داشتم در جواب او بگویم که تبلیغات در اسلام محدودیت دارد و سلب آزادی روانی هم ممنوع است و من هم اگر درتبلیغ خود این کار را انجام دادم، اشتباه کردم اما آقا به ایشان فرمودند اشکال شما وارد نیست. حرف آقای پناهیان جدید است و تاکنون کسی آن را نگفته بود. سپس از من پرسیدند این حرف را از کجا آوردید؟ گفتم از آیه قرآن، تفسیر المیزان «وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِغْرَاشُهُمْ ...» ای پیغمبر، اعراض آنها چه برای تو سخت است و دوست داری آیه ای بیاوری که همه سحر و تسلیم شوند، ولی این کار را نکن. علامه طباطبایی می فرماید این آیه، نشانه ای است که امکان انتخاب او می گیرد. امکان انتخاب برای ما حکم ناموس ما است و حاضرم برسرآن بچنگیم. صداوسیما باید در این باره روشنگری کند. اول ما طلبه ها و سپس صدا و سیما، سکولاریسم را در این کشور جاری کردیم و سپس سیاسیون خیبت بروج آن سوار شدند.

مقابل امام زمان(عج) می ایستند و حتی ظرفیت این را دارد که با آن

مقابل دین بایستند. این اخلاق چه پدیده ای است که آقای سرش و آقای خاتمی رفتند ولی صداوسیما خواسته و ناخواسته تا همین امروز راه آنها را ادامه داده است. تلقی عقیدتی از دین یعنی جنبه عقیدتی غلبه کند. تلقی اخلاقی از دین یعنی جنبه اخلاقی غلبه کند و تلقی احکامی از دین یعنی دین از تو بیشتر اطاعت می خواهد. باید تلقی عاشقانه، فردی (از نوع منفعت طلبانه) و عقیدتی از دین را کنار بگذاریم و تلقی دانشی، عقلانی، واقع بینانه و اجتماعی را جایگزین آن کنیم. حالا امام زمان(عج) را هم در این دستگاه تعریف کنید و ببینید چه نتیجه ای می دهد. رسانه باید فواید مادی و روانی انتظار را برای مردم توضیح دهد. باید روان شناس به رسانه بیاوریم تا زیر و بم یک انسان منتظر را تحلیل کند. یا شاعری را بیاورید که بتواند این تحلیل ها را طوری در قالب شعری به مردم بگوید که بر دل شان بنشیند. اگر رسانه بخواهد به مواردی که عرض کردم بپردازد باید طبق دستوالعمل های مشخص و ضمن تعریف راهبردهای دقیق عمل کند. اگر صداوسیما ادبیاتش را عوض کند، درمد بالایی از باستان گریبان، ملی گرایان و غریزه ها به سوی شما برمی گردند. من ظاهره ها دارم از جلساتی که با ضد انقلاب داشته. رفقم در بین آنها نشستم و بدون این که کوتاه بیایم، وادارشان کردم با حدیثی از امام رضا که به عقل متین اشاره دارد، کف بزنند. آیا این از هنر تبلیغ است یا ناشی از فهم درست از دین؟ البته نه من هنر تبلیغ ندارم فقط حرف امام(رضاع) را بازگو کردم. از این رو من مسائل سیاسی را قابل حل می دانم. در ذهن تک تک ما قطعات پراکنده ای از دین وجود دارد که باید آنها را به هم پیوند داد.

جام جمعه

فرهنگ

CULTURE

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۲ شماره ۶۵۴۰

داده‌نما



تصور از قدرت صداوسیما و رسانه این است که می‌تواند موجب تحول در حوزه علمیه، آموزش و پرورش و عرصه‌های سیاسی شود. من یک نگاه حداکثری به میزان اثرگذاری صداوسیما دارم. معتقدم با همین بدنه و طیفی که اکنون در صداوسیما فعالیت می‌کنند، می‌توان آن انتظار حداکثری را رقم زد

در خصوص بحث «جهاد تبیین»، مقام رهبری دراین باره فرمودند خطایم صداوسیماست. محبت از یک واجب عینی فوری است که فقط یک فقیه می‌داند معنی آن چیست. به این دلیل که «جهاد»، واجب کفایی است اما ایشان آن را به واجب عینی تبدیل کردند و روی آن فوریت گذاشتند

امام خمینی(ره) می‌فرماید: «ادبیات حوزه، ادبیات نظری است و ادبیات دانشگاه، ادبیات عینی و عملی است. این دو نوع ادبیات باید درهم ذوب شوند. در غیر این صورت جوان‌های ما به سمت لیبرال‌ها جذب می‌شوند.» این فرمایش حضرت امام در منشور روحانیت است

وقت آن است که رسانه جلوی تلقی اشتباه از دین را بگیرد. اول تلقی عقیدتی از دین، دوم تلقی اخلاقی از دین، سوم تلقی احکامی از دین، چهارم تلقی رمانتیک و عاشقانه و پنجم تلقی فردی از دین. اکنون زمان آن است که تنها یک تلقی از دین را در جامعه جا بیندازند و آن تلقی عقلانی، علمی و واقع بینانه است

تلقی احکامی از دین یعنی این که ولایت‌مداران دارای دین عقیدتی در کنار مفهوم «امامت»، مفهوم «اطاعت» را نشانده و آن را بیش از حد برجسته کنند. اما آیا می‌دانستید امامت مهم‌تر از مفهوم اطاعت به مفهومی به نام «نصرت» احتیاج دارد که اتفاقاً آن اطاعت نیست؟

ما با آموزش دین که از تشریح اصول عقاید شروع می‌کنیم، سکولاریسم را دامن می‌زنیم. اگر کتاب ۵۰ سال قبل آقا را بخوانید، می‌بینید در آن بحث عدالتخواهی مطرح شده و در مورد تلقی عقیدتی از دین توضیح داده‌اند

اخلاق در غرب به معنی ارزش هاست، ولی ما اینجا ارزش نداریم و هر چه داریم واقعیت است. امام می‌گفت نمی‌دانم چرا در انقلاب ما، تفسیر بعضی‌ها از دین همان تفسیر غربی هاست. باید اخلاق به معنی ارزش ها را از ادبیات صداو سیما حذف کنید

متأسفانه اصلاح طلب‌ها از تفاوت بین انسان‌ها سوء استفاده کرده، علم را نابود و چهل را به انسان تحمیل می‌کنند. اصلاح طلب‌ها علیه ارزش‌ها قیام نکردند، بلکه علیه دانش قیام کردند

۹۹/۹۹ درصد عباراتی که در ادعیه می بینیم عاشقانه نیست، واقع بینانه است. مملو از اضطراب است. من نمی‌دانم وقتی این ادعیه به دست مداح می رسد، چگونه آزان معنی عاشقانه و احساساتی استخراج می کند